

هویت، هدفمندی و راهبردهای یادگیری

گردآوری و تالیف

انیسه جبّاری دانشور



انتشارات انیسو

فیفا:

سرشناسه: جباری دانشور، انسیه، ۱۳۶۳

عنوان و نام پدیدآور: هویت، هدفمندی و راهبردهای یادگیری / گردآوری و تالیف: انیسه جباری دانشور

مشخصات نشر: تهران، آیسو ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۱۱۰ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۱۹۰-۹-۵

وضعیت فیزیکی: دست نویسی: فیفا

موضوع: روانشناسی

موضوع: learning - psychology

رده بندی کنگره: ۱۳۹ / ح ۲۱ / BF۳۱۸

رده بندی دیویی: ۱۵۰ / ۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲ / ۲۱۹

شناسنامه:

عنوان: هویت، هدفمندی و راهبردهای یادگیری

گردآوری و تالیف: انیسه جباری دانشور

ناشر: آیسو

سال چاپ: ۱۳۹۷

نوبت چاپ: اول

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۱۹۰-۹-۵

تیراژ: ۵۰۰ جلد



انتشارات آیسو

فهرست

۷	مقدمه
۱۰	فصل اول
۱۰	دیدگاه‌های شناختی
۱۳	فصل دوم
۱۳	نظریه‌های دگرگیری شناختی
۳۳	فصل سوم
۳۳	راهنماهای یادگیری
۴۰	فصل چهارم
۴۰	هویت از دیدگاه نظریه پردازان سخت‌انگیز
۵۵	فصل پنجم
۵۵	هدف پیشرفت
۶۵	فصل ششم
۶۵	جهت‌گیری‌های هدف
۷۲	فصل هفتم
۷۲	تحقیقات انجام یافته
۸۱	فصل هشتم
۸۱	خلاصه و جمع‌بندی
۸۲	منابع و مأخذ

مقدمه

از لحظه‌ای که انسان چشم به جهان می‌گشاید، هرروز در حال یادگرفتن و آموختن است؛ بنابراین یادگیری همواره در طول تاریخ بشر به عنوان یکی از مباحث بسیار مهم روانشناسی مطرح بوده است. یادگیری مستلزم اکتساب و تعدیل دانش، مهارت‌ها، راهبردها، باورها، نگرش‌ها و رفتارهاست. معلمان اغلب انتظار دارند که دانش آموزان مطالب را بدانند، بفهمند، به یاد آورند، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی کنند و نیز به مهارت‌های اندیشیدن، مهارت‌های عملکردی^۱، برقراری ارتباط دست پیدا کنند و همچنین نگرش و علایق آن‌ها در جهت مثبت تغییر یابد؛ اما در بسیاری از موارد در کلاس‌های درس مشاهده می‌شود که بعضی از دانش آموزان با خیره شدن به معلم به او توجه می‌کنند، درحالی‌که حواس آن‌ها به جای دیگر معطوف است. اولین^۲ «توجه» صرفاً برحسب نگاه کردن به معلم و صحبت نکردن با همکلاسی‌ها، برای یادگیری مطالب کافی نیست. یادگیری علم نباید فقط عملی باشد، بلکه لازم است ذهنی نیز باشد. بر این اساس معلمان همواره از دانش آموزان می‌خواهند که به لحاظ «شناختی» در امور تحصیلی درگیر شوند نه فقط رفتاری. آن‌ها از دانش آموزان می‌خواهند که در مورد محتوای یادگیری عمیقاً به تفکر بپردازند و روش‌هایی را برای یادگیری مورد استفاده قرار دهند که فهم آن‌ها از مطالب را به حداکثر برساند (پینتریج^۳، ۲۰۰۰)؛ بنابراین در برنامه‌های آموزشی، می‌بایست دانش آموزان رشته‌های مختلف برای پرورش مهارت‌های مناسب، تجارب و منابع چندگانه دانش را با هم ترکیب کنند. بدیهی است این نوع یادگیری‌ها متکی بر درگیری شناختی معنی‌دار فعالیت‌های یادگیری است. درگیری شناختی به راهبردهایی اشاره دارد که دانش آموزان برای حل مسائل و تکالیف یادگیری از آن‌ها استفاده می‌کنند. پژوهشگران راهبردهای یادگیری متعددی را شناسایی کرده‌اند که یک دسته از آن‌ها به «راهبردهای شناختی»^۴ معروف‌اند که دانش‌آموز جهت تسهیل یادگیری و تکمیل تکلیف از آن‌ها استفاده می‌کند که تکرار یا مرور ذهنی، بسط و

۱. performance skills

۲. Pintrich

۳. cognitive strategies

گسترش معنایی و سازمان‌دهی از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود (سیف، ۱۳۷۹). درکل راهبردهای مرور ذهنی، برای سطوح عمیق‌تر یادگیری و فهم، راهبردهای سودمندی نیستند. در مقابل راهبردهای بسط و گسترش معنایی و سازمان‌دهی، پردازش عمیق‌تر مطالب را تسهیل می‌کنند و در مقایسه با راهبردهای مرور ذهنی، به فهم بهتر و عمیق‌تر و یادگیری بیشتر منجر می‌شود (سیف، ۱۳۷۹).

از دیرباز انسان به‌عنوان موجودی ناشناخته با جنبه‌های مختلف، مورد سؤال بسیاری از محققان بوده است. بعد ناشناخته انسان که به رفتار و منشأ آن برمی‌گردد، هنوز سؤالات فراوانی را برمی‌انگیزد. این عامل باعث شده که دیدگاه‌های مختلفی نسبت به مسائل شناختی به وجود آید. مفهوم شناخت، مفهومی است که نه تنها در روانشناسی، بلکه در عرصه‌های مختلف چون فلسفه نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

علاقه به هوشیاری و شناخت در نخستین روزهای حیات روانشناسی حتی پیش از آنکه به صورت یک علم رسمی درآید، امری بدیهی بوده است. در نوشته‌های فیلسوفان یونانی چون افلاطون و ارسطو، برآیندهای شناختی اشاره شده است؛ چنانکه در نظریه‌های تجربه‌گرایان و تداعی‌گرایان، این موضوع نیز چنین بوده است.

وقتی روانشناسی به صورت یک رشته علمی جداگانه درآمد، توجه آن بر هوشیاری همچنان باقی بود. ویلهلم وونت به‌عنوان بنیان‌گذار این رشته، بر فعالیت خلاق ذهن یکی از پیشروان روانشناسی شناختی است. ساخت‌گرایان و کارک‌گرایان نیز با هوشیاری سروکار داشتند که یکی از آن‌ها عناصر هوشیاری و دیگری کارکردها، آن را مطالعه کرد.

آغاز رسمی جنبش روانشناسی شناختی را می‌توان در سال‌های دهه ۱۹۵۰ ردیابی کرد. هرچند نشانه‌های آن در سال‌های ۱۹۳۰ به چشم می‌خورد، ای. آر. گاتری^۱ روانشناس رفتارگرا، با اظهار تأسف در مورد الگوی ماشینی روانشناسی اظهار داشت که روانشناسی باید محرک را به صورت امور ادراکی یا شناختی توصیف کند. ای. سی. تولمن^۲ با رفتارگرایی هدفمند خود، موجب شد که اهمیت متغیرهای شناختی به مقدار زیاد شناخته شود. تأکید او بر استفاده از نقشه شناختی در جهت کاهش رویکرد محرک، پاسخ در رفتارگرایی و افزایش علاقه نسبت به عوامل شناختی بسیار مؤثر بود. روانشناسی گشتالت با تأکید بر سازمان،

۱. Edwin Ray Guthrie

۲. Edward Chace Tolman

ساخت، روابط، نقش فعال آزمودنی و نقش مهمی که ادراک در یادگیری و حافظه ایفا می‌کند، بر جنبش شناختی نفوذ داشته است. یکی دیگر از پیش‌بینی کنندگان جنبش شناختی ژان پیاژه روانشناس سوئیسی است. نظریه او درباره رشد کودک برحسب مراحل شناختی تدوین شده است. به‌طورکلی می‌توان گفت روانشناسان از سال‌های ۱۹۵۰ به بعد با اقتباس از کامپیوتر، در یادگیری، به مطالعه ساختار ذهن انسان پرداختند.

روانشناسی شناختی نه تنها انسان را در جریان یادگیری منفعل نمی‌داند، بلکه او را پردازشگری فعال در این فرآیند می‌داند. بر اساس این دیدگاه، یادگیری فرآیندی است که در درون انسان رخ داده و فرد نیز به‌طور فعال در آن دخالت دارد. از آنجایی که راهبردهای یادگیری، عنوان مهم‌ترین موضوعات روانشناسی شناختی است و نیز اساس نظریه‌های یادگیری خود نظم داده بر روانشناسی شناخت گرا استوار است، در این کتاب سعی بر بیان تاریخچه این فاهم شده است.

در این کتاب با بیان مفهوم درگیری شناختی پرداخته شده، سپس درگیری شناختی از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و نظریه‌های مربوط به آن بیان شده است. در ادامه مفهوم جهت‌گیری هدف نظرات مربوط به آن، مفهوم هویت تحصیلی و نظرات مربوط به آن ارائه شده است. در پایان، بررسی پژوهش‌های انجام‌یافته در خصوص درگیری شناختی و مؤلفه‌های عاطفی و انگیزشی پرداخته و از تحقیقات انجام‌یافته نتیجه‌گیری می‌شود.